چهاردهمین «حراج تهران» به تعویق افتاد

حراج تهران در خصوص برگزاری دوره چهاردهم اطلاعیه‌ای منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است: با توجه به تشدید همه‌گیری ویروس کرونا و اعلام وضعیت قرمز توسط ستادملی کرونا، برگزاری چهاردهمین حراج تهران به تاریخ دیگری موکول شده است. با حصول اطمینان از کاهش همه‌گیری، تاریخ جدید متعاقبا اعلام خواهد شد. حراج تهران درگذشت جمعی از هموطنان عزیزمان بر اثر بیماری کرونا را تسلیت گفت.

صدابردار هامون، پری و لیلا در بیمارستان

اصغر شاهوردی چند روزی است به دلیل عفونت ریه در بی‌سی‌یوی بیمارستان فیروزگر تهران بستری است. همسر شاهوردی که حدود ۱۳ سال است از همسر خود پرستاری می‌کند بارها گفته بود ای کاش مسؤولان مربوط در حوزه فرهنگ و هنر حمایت‌هایی در حد همراهی یک پرستار برای این صدابردار باسابقه سینما انجام می‌دادند. او بیش از همیشه نگران شرایط جسمانی و نیز روحی همسر و خانواده‌اش است.

تیپ‌شناسی شخصیت‌های چادری در سینما و شبکه نمایش خانگی

تصویر ناقص سینما از حجاب برتر

سینمای ایران در برساختن چادری‌های دوست‌داشتنی و همدلی‌برانگیز کم‌کاری کرده است

گروه فرهنگ

همین حالا شخصیت‌های چادری را که در فیلم‌ها دیده‌اید از نظر بگذرانید. کدام‌ها را دوست داشته‌اید و از کدام‌ها تصویری ناخوشایند یا حتی نفرت‌انگیز در ذهن‌تان مانده است؟ کدام یک قربانی بوده‌اند؟ کدام‌شان شخصیت‌های زن را به عنوان کنشگران اجتماعی و کدام‌ها، این دسته زنان را زنان خانه‌دار معرفی می‌کرده‌اند؟ ویژگی‌هایشان را که در ذهن مرور کنید، بهتر می‌توانید علت همدلی‌برانگیز بودن یا نبودن این شخصیت‌ها را بسنجید و به قضاوت بنشینید. شکی نیست که تماشاگر در سمپاتیک شدن یا نشدن یک شخصیت مشارکت فعال دارد و به طور طبیعی شخصیتی که برای طیفی از مخاطبان، دوست‌داشتنی جلوه می‌کند می‌تواند منفور طیف دیگری باشد و این نسبت را هم بسترهای فرهنگی و دیدگاه‌ها تعیین می‌کند. اما در نهایت فیلم‌ها برای آن ساخته می‌شوند تا شخصیت‌پردازی‌ها، جهتی داشته باشند و حس روشنی را چه مثبت و چه منفی در مخاطب برانگیزند. چادری‌ها از آن دسته تیپ‌هایی هستند که به خاطر معناهای ضمنی لباس‌شان موقعیت‌های دراماتیک حساسی را در فیلم‌ها خلق می‌کنند. اما کدام‌ها دوست داشتنی تصویر شده‌اند و کدام‌ها غیردوست‌داشتنی؟

چادری‌های سمپاتیک

ماندگارترین و دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌های چادری را از سریال‌های تلویزیونی به یادها مانده‌اند. شخصیت مریم افشار با بازی لعیا زنگنه در سریال «در پناه تو»، اولین شخصیت چادری بود که بازنمایی چادر را از انحصار زنان سالخورده فیلمفارسی‌های قبل انقلاب که به طور سنتی چادر روی شانه و کمر می‌انداختند، خارج کرده و دختری را در پوشش چادر به نمایش گذاشت که ویژگی‌های جدیدی داشت: دانشجو، فعال، شاغل و البته عاشق. همین تضادها، مریم افشار را با پوشش چادر ماندگار کرد. اما پس از او، تلویزیون «دوران سرکشی» را هم به خانواده‌ها عرضه کرد. سریالی که در سال‌های پرالتهاب اواخر دهه ۷۰ موضوع روز دختران فراری را به نمایش می‌گذاشت و در مقابل این دسته، دختری بود در پوشش چادر که چهره استخوانی و قدرتمند لادن مستوفی، قدرت مدیریت و کنشگری را در او تقویت می‌کرد. همه این‌ها در حالی بود که تصویر مادربزرگ‌های سالخورده سریال‌ها با چهره مهربان حمیده خیرآبادی گره خورده بود و اغلب در پوشش چادرهای گل‌گلی به ذهن می‌آمد.

اما سینمای ایران هم در نمایش چادری‌های سمپاتیک، دست به کار خلق چند چهره ماندگار شده است. هر دو نمونه از دراماتیک‌ترین و ماندگارترین پلان‌ها از شخصیت منحصر به فرد چادر را مریلا زارعی به نمایش گذاشته است: اول در سکانس پایانی فیلم «بادیگارد» که راضیه آصف، همسر حاج حیدر، پس از شهادت او چادر را روی پیکرش می‌کشد و می‌گرید و دوم در سکانس آخر فیلم «شیار۱۴۳» که ننه الفت، چادر به سر کرده و در آخرین دیدار، با استخوان‌های به‌جامانده از پیکر فرزندش وداع می‌کند. فیلم‌های «طلا و مس» و «فرشته‌ها باهم می‌آیند» هم بازنمایی همدلانه‌ای از زنان چادری در نقش همسران روحانیون دارند که یکی آرامش و صبوری را محوریت می‌دهد و دیگری شیطنت و مهربانی را. شبکه نمایش خانگی هم با فیلم «آقازاده» در بازنمایی پرتعداد و متفاوت از چادر، پیشتاز است. نه‌تنها شریفه با بازی لعیا زنگنه، نقش زنی چادری، خانه‌دار و همسر یک کاراکتر مذهبی-سیاسی را بر عهده دارد بلکه راضیه(پردیس احمدیه) هم در دو فاز، یک بار از چادر به عنوان پوششی برای فریب و گناه بهره می‌برد اما بعد در قامت یک معتقد مذهبی، در همین پوشش توسط آدم بدها کشته می‌شود.

جای چادری‌های قدرتمند و کنشگر همیشه در سینمای ایران خالی بوده و تنها می‌شود از شخصیت خانم خیری (پریناز ایزدیار) در فیلم «ویلایی‌ها» نام برد که البته خلاف میل باطنی‌اش، فرماندهی پایگاه زنان در منطقه جنگی را بر عهده گرفته است. چادری‌ها البته برخلاف تصور اولیه در نقش‌های طنازانه‌تر فیلم‌های کمدی هم به شکل سمپاتیک بازنمایی شده‌اند. یاسمن (بهاره رهنما) معلم ادبیات چادری فیلم «ورود آقایان ممنوع»، در دوگانه‌ای که با دارابی(ویشکا آسایش) مدیر مدرسه می‌سازد، درواقع شخصیت عاطفی و عاشق‌پیشه را در مقابل زنی فمینیست و ضدخانواده می‌سازد که درعین حال از درون دچار تضاد شخصیتی است و ناخواسته به دنبال موردی برای ازدواج می‌گردد.

چادری‌های غیرسمپاتیک

از این دسته تا بخواهید در سینما داریم. البته به علت‌های دراماتیک متفاوتی غیرسمپاتیک نمایش داده می‌شوند اما به هر حال تصویری غیردوست‌داشتنی و حتی نفرت‌انگیز در ذهن‌ها به جا می‌گذارند. مثلا مهرانه نوری (سحر دولتشاهی) در فیلم «عرق سرد» به کارگردانی سهیل بیرقی به خاطر ممانعت بی‌جایش از بالا رفتن دختران تیم ملی فوتبال به مسابقات و گیر دادن‌های اعصاب‌خردکن و البته نظر داشتنش به مردی متاهل، نفرت‌انگیز می‌شود درحالی که شخصیت راضیه (ساره بیات) در فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی از فرط بدبخت و قربانی بودن و البته تلاش برای سرپوش گذاشتن بر حقیقت، غیردوست‌داشتنی و به نوعی تبدیل به بدمن قصه می‌شود. عبدالرضا کاهانی در فیلم «بیخود و بی‌جهت» از یک مادر چادری، تصویر یک قدرت قاهره متعصب و خشمگین و احمق می‌سازد و او را در مقابل دختری ریاکار و دورو قرار می‌دهد که مجبور است به خاطر مادرش حقایق زندگی خود را پنهان کند و به نحوی که دلش می‌خواهد آزاد نباشد. همان طور که پرویز شهبازی مادر منصور در فیلم «خانه دختر» را به خاطر اصرار زیادش به انجام یک آزمایش غیرضروری پیش از ازدواج پسرش، نزد مخاطب منفور می‌کند. اما فرهادی همسر مرد متجاوز داستان فیلم «فروشنده» را تنها در یک سکانس همراه با چادر نشان می‌دهد درحالی که همین زن احمق قربانی که از همسرش تا پای جان دفاع می‌کند، اگر رابطه درستی را شکل می‌داد، همه داستان فیلم اصلا اتفاق نمی‌افتاد. چادری‌های غیرسمپاتیک سینمای ایران حتی به این جا هم محدود نمی‌شوند. ملازم شدن چادر با موقعیت دادگاه و زندان، سال‌های زیادی در سینما، از چادر یک پوشش، تلخ و ناراحت‌کننده و همیشه همراه با موقعیت‌های ناخوشایند ساخته است و به همین اعتبار، حتی اگر کاراکتر روشنی را در سینما به یاد نیاورید، باز هم موافق خواهید بود که بازنمایی چادر و چادری اغلب همدلانه نبوده است. همه لباس‌ها به طور طبیعی معناهای ضمنی را در نسبت با پس‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و گاهی حتی اقتصادی و سیاسی فعال می‌کنند. اگر لباس‌های خاص اقشاری چون عبا و عمامه روحانیون یا کت‌وشلوار مدیران دولتی یا حتی یونیفرم‌های مشخص برخی مشاغل چون دکترها، نظامی‌ها و مهمانداران هواپیما را مورد توجه قرار دهیم، راحت‌تر تصدیق خواهیم کرد که هر لباسی معناهای خواسته و ناخواسته بسیاری را به پوشنده خود تحمیل می‌کنند. مثلا می‌توانید بدون داشتن مدرک پزشکی، لباس فرم دکترها را بپوشید و در خیابان راه بروید اما کمتر کسی است که به شما نگاه کند و درباره نامتجانس بودن این لباس با موقعیت خیابان، هزار سوال به ذهنش خطور نکند و برای هر کدام‌شان یک سناریو نسازد. این مثال‌ها هرچند معنادار بودن لباس‌ها را پررنگ‌تر و ملموس‌تر می‌کنند اما نباید باعث شوند که این معنادار بودن به لباس‌های یونیفرم مشاغل یا پوشش اقشار خاص محدود شود. بی‌تردید شما هم تجربه کرده‌اید که گاهی فقط رنگ گرم یک پیراهن چقدر می‌تواند روی ارتباط‌تان با مخاطب در موقعیت رسمی تاثیر بگذارد یا رنگ سرد یک پلیور در زمستان، از گرمای مطلوب محیط بکاهد. همه این‌ها یعنی لباس‌ها بیش از آن چه ما فکر می‌کنیم معنادارند و همین مساله هم باعث می‌شود برای فیلمسازان، بخشی مهمی و حیاتی و جذاب به شمار بیایند.

حالا بیایید روی یک لباس خاص که اشکال مختلف پوشیده شدنش، معناهای ضمنی روشن و پنهان زیادی در خود دارد، تمرکز و بازنمایی‌های متفاوت از چادری‌ها را روی پرده سینما و فیلم‌های نمایش خانگی فهرست کنیم. از جذابیت کنکاش در ماجرای بازنمایی چادری‌ها روی پرده تنها وقتی بیشتر لذت خواهیم برد که دقت داشته باشیم آن‌ها همه در صرف «چادری بودن» خلاصه نمی‌شوند و اتفاقا تیپ‌های بسیار متفاوت‌تری دارند که در محتوای فیلم و دریافت مخاطب از آن به شکل متفاوتی تاثیرگذارند. آن‌ها زاویه دید فیلمساز به زیرلایه‌های مذهبی، سیاسی و سایر دیدگاه‌های ضمنی را هم توضیح می‌دهند. نگاهی می‌اندازیم به تیپولوژی چادری‌ها در فیلم‌های سینمایی و نمایش خانگی.

نمایی از فیلم «ویلایی‌ها»

۱ چادری‌های تندرو

می‌توانستند چادری نباشند

مهرانه نوری
[با بازی سحر دولتشاهی]
در «عرق سرد»

مادرالهه
[با بازی افسانه تهرانچی]
در «بی‌خود و بی‌جهت»

مادر منصور
[با بازی رویا تیموریان]
در «خانه دختر»

یکی از شمایل‌های نه‌چندان مرسوم زنان چادری در سینمای ایران، شمایل زن چادری غیرسمپات است. به این معنا که به نظر می‌رسد نویسنده و کارگردان خواسته باشند با چادری که تن شخصیت پوشانده‌اند، معنایی ناظر بر تعصب فراوان و تندروی مذهبی را احضار کنند. این در حالی است که چادر فی‌نفسه، هم نمی‌تواند به‌صراحت نماینده مذهب و سنت باشد و هم نمی‌تواند نماینده هر رفتار متعصبانه‌ای قلمداد شود. چادر، باور به حجاب است و این‌که نویسنده و کارگردان می‌خواهند شخصیت افراط‌گرای فیلم‌شان را چادری نشان بدهند، یک ناسازه و التقاط گفتمانی است. مهرانه نوری، در فیلم عرق سرد که سحر دولتشاهی نقشش را بازی می‌کند، یکی از مسؤولان تیم فوتبال زنان ایران است. او چادری است و برخورد مناسبی با افروز اردستانی که بازیکن تیم است و باران کوثری بازی‌اش می‌کند، ندارد. در فیلم بی‌خود و بی‌جهت نیز افسانه تهرانچی را به یاد می‌آوریم که نقش مادر الهه [با بازی نگار جواهریان] را بازی می‌کرد؛ زنی چادری که هیچ‌گونه فراز و فرودی را در زندگی دخترش که او نیز حجاب کاملی داشت برنمی‌تابید. از سوی دیگر، شاید نقش منفی‌ترین چادری سینمای ایران را رویا تیموریان در خانه دختر بازی کرده باشد. او مادر منصور [حامد بهداد] بود و در یک سکانس ملتهب، به نوعی سبب‌ساز خودکشی نامزد پسرش (سمیرا، با بازی رعنا آزادی‌ور) شد. مادر منصور به‌ناگهان و بدون برنامه، عروس آینده خانواده را به آزمایش پزشکی قانونی می‌برد و اصرار می‌کند این سنت خانوادگی باید اجرا شود. سینمای ایران کمتر به این شمایل از چادری‌ها روی آورده. ولی در همین معدود موارد نیز اغلب به دام همسان‌انگاری سنت و تعصب دچار بوده است.

۲ چادری‌های سنت‌گرا

مادرانگی زیر سایه باور

این یکی مخصوص مامان‌هاست؛ زنانی که هویت‌شان با مادربودن معنا می‌شود و مهم‌ترین و اصلی‌ترین کنش‌ها و واکنش‌های زیست‌شان با مادرانگی در ارتباط است. در نتیجه مادرها در فیلم‌ها و سریال‌ها، چادر سنتی به سر دارند؛ این چادر لزوما گل‌دار نیست و می‌تواند مشکی باشد اما از آن نوع چادرمشکی‌ها که برای ماندن روی سر نه کش دارند و نه آستین و نه پیوست دیگری. ساده هستند، نه اتو کشیده و تمیز. از درخشش و شکوه دورند و چه‌بسا پوشانندگی کامل هم نداشته باشند؛ ممکن است از سر بیفتند یا در کشمکش‌ها و موقعیت‌های دشوار عقب بروند اما حکم پناه و ماوا را دارند.

بازیگرانی که با این پوشش نقشی بازی‌کرده و مقابل دوربین ظاهر شده‌اند، می‌دانند که از تمام ابعاد نقش مورد نظر، مادری و همسری بسیار محکم‌تر و برجسته‌تر است و در جریان هستند که برای بازی در چنین نقشی باید از مهر، ایثار، همدلی، گذشت و

خاتون
[با بازی مهناز افشار]
در «متروپل»

عشق در وجودشان
زنان داغدیده باشند
کنند، مورد ظلم و ست
باشند، قربانی خشو
در فیلم‌ها و سریال‌ه
هستند، هیاهو ندارن

۳ چادری برای گریز

بر قامت ریا

مانلی
[با بازی پردیس پورعابدینی]
در سریال «آقازاده»

زیبا خوش‌لحن
[با بازی الناز شاکردوست]
در «مطرب»

چادر متاثر از تعریف و
کارکردی که در فرهنگ
اسلامی- ایرانی دارد، معنا و
ویژگی‌های خاصی را متباد
می‌کند و زنان چادری شمایلی
از خود ارائه می‌دهند که
تعاریف و برداشت‌های
مشخصی را القا می‌کنند
ازجمله نجابت، پاکدامنی
حیا، خانواده‌داری، پایبندی
به مذهب و امثال اینها؛ چراکه روشن‌ترین و مهم‌ترین کارکرد و معنایی که چادر در فرهنگ اسلامی - ایرانی داشته همین موارد بوده اما د
سال‌های اخیر به دلایل متعدد، زنانی را دیده‌ایم که چادر برای آنه
نه یک پوشش بلکه ابزار گریز بوده؛ گریز از یک موقعیت ب
خاستگاه اجتماعی، فرهنگی و....

فیلم‌ها و سریال‌های بی‌تاثیر از اتفاقات جامعه نیستند
به‌خصوص اتفاقاتی که در موقعیت‌های دراماتیک
رخ می‌دهند یا دست‌کم قابلیت مقدمات خلق
موقعیت‌های دراماتیک را فراهم می‌کنند
بنابراین عجیب نیست اگر استفاده از چادر به
عنوان ابزار گریز از موقعیت یا تغییر خاستگا
در فیلم‌ها و سریال‌ها مورد استفاده قرا
بگیرد. همچنان که در نمونه‌ها ذکر شد
پردیس پورعابدینی در نقش مانلی سریال
آقازاده، نمونه‌ای از همین نوع چادر به س
کردن را نمایش داده است. شخصیتی
که پورعابدینی آن را بازی کرده، فراز و
فرودهایی داشت و به نام راضیه مقدم
تعریف شده بود اما این شخصیت
در برهه‌ای از داستان به عنوان مانلی
معرفی می‌شود که قرار است در قالب
یک دختر نجیب و مومن و البته ب
پوشش چادر، یک آقازاده واقعی و مومن
را بفریبد و از راه به‌در کند. در این برهه ا
داستان، راضیه مقدم با نام مستعا
مانلی در قالب ماموریتی که بر عهد
گرفته از چادر به منظور تزویر و
فریب استفاده می‌کند.

نمونه دیگر همین موقعیت ر
در بستر کمدی هم شاهد
بوده‌ایم؛ در فیلم مطرب
الناز شاکردوست که صدای
خوب را از پدرش به ارث برد
در مهمانی‌ها و مجالس
مذهبی اعیان‌ها به عنوان
مولودی‌خوان شرکت می‌کند
و در نتیجه متاثر از موقعیتی
که در آن قرار می‌گیرد، چاد
به سر می‌کند. شاکردوست
در نقش زیبا خوش‌لحن د
تمام فیلم چادر به سر نمی‌کند
و اساسا یک زن چادری محسوب نمی‌شود بلکه از چادر به
عنوان برای گریز از موقعیت بهره می‌گیرد.

یادداشت

نگاهی به چگونگی جریان‌یافتن سلوک حسینی در فرهنگ ایرانی

ممتنع اما ممکن

مهدی توکلیان
روزنامه‌نگار و عکاس

تفکر و عمل‌کردن به فرمایش معصومین (علیهم‌السلام) شاید در ظاهر امری سهل باشد اما در باطن و عمل‌کردن به آن امری سخت و دشوار است چراکه دوصد گفته، چون نیم کردار نیست. جماعتی که مدام مرام نقد و انتقاد دارند سخت‌تر و دیرتر دست به کار می‌شوند و کمتر کرداری مانا به یادگار می‌گذارند و هزار بهانه برای کم‌کاری‌ها و انجام‌ندادن‌ها به میان می‌آورند. اگر کمی با مسائل واقعی‌تر برخورد کنیم و سعی شود تا پاسخ سوالات را خودمان بیابیم تا از لسان دیگران کلامی شنیده شود مایه کدورت و ناراحتی را فراهم نمی‌کند.

با کمی تامل و قدم زدن در بازارهای قدیمی این مطلب را کاملا می‌شود حس کرد که هر شیء و جسمی را مدتی در عطاری و عطرفروشی بگذاریم بوی خوش عطرها را می‌گیرد و معطر می‌شود اما دلیل آن‌که مدت‌های طولانی در مراسم‌ها و آیین‌ها و سنت‌های متفاوت عزاداری و تعظیم شعائر حضور داریم اما هیچ‌یک از رفتارمان در برون‌داد اجتماعی و در زندگی با مردم و اهل کوچه و محله و شهرمان هیچ نشان و بوی عطری از حضرات معصومین(علیهم‌السلام) را ندارد، چیست؟

امام حسین(علیه‌السلام) فرمودند:
مَنْ نَفَّسَ کُرْبَةَ مُؤْمِن، فَرَّجَ ا... عَنْهُ کُرَبَ الدُّنْیا وَالاْخِرَةِ
(هرکس گره‌ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می‌نماید). بحارالأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴

گاهی می‌شود از ولایت دم زد و دشمن ولایت بود، از مقتدا و مولا سخن گفت و خلافش عمل کرد و نکند حسینی حرف زده و با معاویه درون‌مان رفتار کنیم. آیا تابه‌حال فکر کرده‌ایم چرا حرف‌هایمان تاثیری ندارد و به‌سان آثار هنرمندان پیشین اثربخش نبوده و جاودانه نمی‌شود و بر اثر گذشت زمان در ذهن‌ها و یادها نمی‌ماند برخلاف سروده‌ها و متون و اشعار و نقوش و خطوط و تصاویری که به قدمت تاریخ خلق آنها ماندگار و جاودانه شده‌اند و نسل به نسل و سینه به سینه روایت شده‌اند: شاعر شعر می‌گوید، تاثیر ندارد. عکاس، عکس می‌گیرد و نقاش هم نقشی بر بومی می‌کشد یا تصویری را خلق می‌کند اما هیچ اتفاقی نمی‌افتد. نویسنده می‌نویسد و مخاطب می‌خواند اما انگار نه انگار... و در یک عبارت ساده‌تر نفس‌های اسیر نفس‌مانده از سر که هیچ از دهان هم بالاتر نمی‌رود. رفتارها و اندیشه‌ها و کردارها نه‌تنها در خود فرد اثر ندارد، بلکه در جامعه هم تاثیری نخواهد داشت. اخلاص و تواضع، نیت و باطن تازیانه‌خورده که نباشد رفتار و اندیشه و قلم و قدم که با نیت ناخالص آغاز شود تاثیرش هم می‌شود همین. شاید بسیاری از کارشناسان و مسؤول در حوزه اجتماعی از باب اعتراض سخن گفته و این نقد را نپذیرند اما واقعیت ملموس در بطن جامعه همین است. خودسانسوری در نشان‌دادن خروجی‌ها باعث می‌شود در بسیاری از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی توان